تفاوت سنی ۲۳ سال برای این جنایت بهانه بود

ردپای عروس سوم در گنج شوم

گروه حوادث: تفاوت سنی ۲۳ سال بین دختر جوان با شوهرش کافی بود تا سناریویی شیطانی کلید بخورد.
مرد تهرانی نمی دانست سومین عروسش با مرد غریبه‌ای نقشه قتل او را طراحی کرده است. ۳۰ آبان سال گذشته بود که پسر جوانی با حضور در کلانتری ۱۳۰ نازی آباد از ماجرای ناپدید شدن پدر ۵۵ ساله‌اش خبر داد و با توجه به حساس بودن پرونده تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران وارد عمل شدند.
کارآگاهان در گام نخست به سراغ همسر جوان مرد گمشده که سمیه نام دارد رفتند و خیلی زود فاش کردند این زن با مردی به نام امیر رابطه عاشقانه دارند.


قربانی جنایت


متهم قتل

افشای راز خیانت کافی بود تا پرده از جزئیات قتل فجیع مجید برداشته شود و سمیه همدستش در این نقشه وحشتناک را لو بدهد. سمیه ادعا کرد به خاطر اختلافی که با مجید داشتم از امیر کمک خواستم و همین باعث شد تا با یک نقشه طراحی شده مجید را به بهانه پیدا کردن قطعات زیر خاکی به سمت جاده قم بکشیم و در کیلومتر ۵۵ جاده تهران – قم بود که امیر با ضربات چاقو دست به قتل زد. همین کافی بود تا ماموران در گام بعدی تحقیقات امیر را که عامل این جنایت بود، دستگیر کنند و در ادامه تحقیقات، ماموران وقتی به محل جنایت رفتند تنها یک لباس خونی و یک لنگه کفش پیدا کردند و هیچ اثری از جسد مجید نبود.

خونسردی زن خائن

سمیه ۳۲ ساله با چهره‌ای آرام و با خونسردی در حالی درباره مشکلات و صحنه قتل صحبت می کند که گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است. این زن درباره ازدواج با مجید گفت: با اطلاع از این که مجید ۲۳ سال از من بزرگ‌تر بود و در گذشته دو بار ازدواج ناموفق داشته به خاطر اصرارهای خانواده‌ام با او ازدواج کردم اما از همان ابتدا متوجه شدم که مجید هوسران است و به من نیز خیانت می کند. وی افزود: بعد از این که فرزندم به دنیا آمد فکر می کردم مجید دیگر دست از کتک زدن و شکنجه‌های من بر می‌دارد اما بی‌فایده بود و حتی وقتی فرزندان زن اولش به خانه‌مان می‌آمدند و به رفتارهای پدرشان اعتراض می کردند آن‌ها را تنبیه می کرد. زن جوان افزود: اختلافات ما ادامه داشت تا این که من با امیر آشنا شدم و خیلی زود عاشق هم شدیم و تصمیم گرفتم از مجید طلاق بگیرم اما مجید اصرار به زندگی با من داشت و می گفت نمی‌خواهد از من طلاق بگیرد تا همه بگویند مشکل از طرف او بوده که همه زنانش از او جدا شده‌اند تا این که دیگر طاقت نیاوردم و از امیر خواستم برای رسیدن به همدیگر مجید را به قتل برساند و او نیز پذیرفت. سمیه گفت: مجید و امیر همدیگر را می‌شناختند و امیر به بهانه این که در جاده قم قطعات عتیقه پیدا کرده است از مجید خواست تا با هم به آن‌جا بروند و من نیز که همیشه همراه آن‌ها بودم سوار بر خودرو به سمت جاده قم رفتیم و در کیلومتر ۵۵ بود که در بیابان‌ها توقف کردیم. زن جوان بدون هیچ عذاب وجدانی صحنه قتل را باز گو کرد و ادامه داد: همگی از خودرو پیاده شدیم که امیر در یک لحظه چاقویش را بیرون کشید و یک ضربه به گردن مجید زد که او روی زمین افتاد. در کنار خودرو ایستاده بودم و از امیر خواستم کار را تمام کند و او برای اطمینان چاقو را زیر گلویش کشید و جسد را همان جا رها کردیم و به خانه باز گشتیم و قرار بود بعد از مدتی با هم ازدواج کنیم. سمیه ادامه داد: من و امیر عاشق هم هستیم و همه تلاشم را می کنم تا او آزاد شود و حاضرم به خاطرش یک زمین میلیاردی را که از پدرم به ارث رسیده بفروشم و دیه بدهم و به مردرویاهایم برسم. سمیه با سنگدلی درباره فرزندش که در اختیار بهزیستی قرار گرفته، گفت: فرزندم برای من مهم نیست و نمی‌دانم چه اتفاقی می‌افتد و تنها موضوعی که به آن فکر می کنم آزادی و زندگی در کنار امیر است. این زن در پایان ادعا کرد از صحنه قتل هیچ ترسی نداشت و آن‌جا بود که تازه به آرامش رسیده است. امیر ۴۹ ساله هم که مدعی است تنها کمبود زندگی‌اش را که محبت و دوست داشتن بود، سمیه برایش پر کرده بود، خونسردی از قتل سخن می گوید و تنها ناراحتی‌اش دلتنگی برای سمیه بود. امیر که یک بار به خاطر قاچاق مواد مخدر دستگیر و پس از هشت سال زندگی از زن اولش جدا شده ادعا می کند که اگر اعدام شود ناراحت نمی‌شود چون تنها کمبود زندگی‌اش عشق بوده که از سوی سمیه این عشق و علاقه را دریافت کرده و دیگر به هیچ چیزی نیاز ندارد! مرد جوان درباره نحوه آشنایی‌اش گفت: مجید و سمیه برای خرید و فروش خانه به بنگاه آمده بودند و پس از چند روز وقتی همگی به جلوی عابر بانک رفته بودیم از نگاه‌های سمیه متوجه شدم که این زن به من علاقه پیدا کرده است. همین کافی بود تا علاقه ما بیشتر شود تا حدی که دیگر عشق مرا کور کرد و وقتی دستور قتل از سوی سمیه صادر شد بدون هیچ مخالفتی نقشه را اجرا کردم. مرد جوان درباره عشق می گوید: بعد از ۴۹ سال عشق را تجربه کردم، شاید مدتش کم بود ولی دیگر هیچ آرزویی ندارم. دختر مجید که هنوز باور ندارد پدرش به قتل رسیده است وقتی حرف‌های عجیب عاملان قتل پدرش را شنید شوکه شد و تصمیم گرفت پرده از دروغ پردازی‌های این زن و مرد جوان بردارد. دختر جوان گفت: سمیه با پدرم کاری کرده بود که دیگر رابطه ما با پدرم قطع شده بود و چند ماهی می شد که از پدرمان خبری نداشتیم و برادرم گاهی اوقات با پدرم در تماس بود تا این که متوجه شد خبری از پدرم نیست، به همین خاطر به سراغ سمیه رفت که این زن ادعا کرد پدرم به شهرستان رفته و مدتی است از او خبر ندارد. وی ادامه داد: همین باعث شد تا برادرم از پلیس کمک بخواهد تا این که سمیه به قتل پدرم با همدستی یک مرد اعتراف کرد. دختر جوان در خصوص ازدواج‌های پدرش گفت: چندی قبل از این ماجرا برادرم بینی‌اش شکسته بود و به بیمارستان رفتیم که در آن‌جا یک مرد با پدرم آشنا شد و وقتی فهمید پدرم مجرد است خواهرزنش را برای ازدواج به پدرم پیشنهاد داد و بعد از چند روز در خانه بودم که مادربزرگم با من تماس گرفت و گفت که برای پدرت خواستگار آمده است. شوکه شده بودم و به خانه مادربزرگم رفتم که دیدم یک مرد و دو زن داخل خانه هستند و بیان کردند که آمدند تا زندگی پدرم را مشاهده کنند تا دخترشان را عروس خانواده ما کنند. باورش سخت بود ولی آن قدر این ماجرا را سریع پیش بردند که کمتر از یک هفته پدرم ازدواج کرد و از همان زمان به بعد سمیه آن قدر پدرم را محدود کرد که دیگر پدرم برای دیدن مادربزرگم هم نمی‌آمد. من که دیگر ازدواج کرده بودم کمتر در محل زندگی پدری ام بودم اما بعد از مدتی اهالی محل با من تماس می گرفتند و از رفتارهای ناشایست این زن حرف می‌زدند که باعث بی‌آبرویی خانواده ما شده بود. دختر جوان ادامه داد: من هنوز نتوانسته‌ام مرگ پدرم را باور کنم و بعضی اوقات به پدرم زنگ می‌زنم. جسد پدرم پیدا نشده و نمی‌دانم به کجا بروم تا با پدرم حرف بزنم و این ناراحتی ما را بیشتر می کند. وی در خصوص رسیدگی پرونده گفت: هشت ماه از این ماجرا می گذرد و چون محل جنایت در نزدیک قم بوده پرونده برای رسیدگی به قم ارجاع داده شده است که این رفت و آمد و عبور از محل که پدرم به قتل رسیده است ما را ناراحت می کند و جالب این که با گذشت این همه وقت هنوز عاملان جنایت به دادسرای قم منتقل نشدند و نمی‌دانیم برای رسیدگی و رسیدن به حق پدرمان به کجا باید مراجعه کنیم. دختر جوان در پایان گفت: مانگران سرنوشت برادر ناتنی‌مان هستیم و این در حالی است که سمیه هیچ احساس نگرانی برای فرزندش ندارد.

اعدام برای زن هفت تیر کش شمال پایتخت

زن هفت تیر کش که شوهرش را هدف گلوله قرار داده و به قتل رسانده است به قصاص محکوم شد.
پنجم تیر سال ۹۶ صدای شلیک گلوله‌ای در یکی از خیابان‌های شمال تهران همه را به وحشت انداخت. دقایقی بعد پلیس پای در قتلگاه گذاشت و با جسد مرد ۴۵ ساله‌ای روبه‌رو شد.
پسر نوجوان نزد ماموران ادعا کرد، پدرش هنگام کار کردن با تپانچه ساچمه‌ای خراب دستش اشتباهی روی ماشه رفته و به سرش شلیک کرده است؛ اما گزارش کارشناسان اسلحه شناسی این ادعا را رد کرد و پسر نوجوان فاش کرد مادرش دست به جنایت زده است.
الهام ۴۲ ساله پس از افشای رازش گفت: شوهرم را به خاطر اختلافات خانوادگی کشتم و دختر و پسر ۱۶ و ۱۷ ساله‌ام نیز در این ماجرا با من همدست بودند.
این مادر و فرزندانش پس از صدور کیفرخواست در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی اصغر عبداللهی محاکمه شدند و خانواده مقتول خواستار قصاص عروس شدند.
الهام در دفاع از خود گفت: به دلیل بی مهری های شوهرم با مردی در فضای مجازی دوست شدم مدتی بود تلفنی با او صحبت می کردم تا این که همسرم به این رابطه پی برد و همین موضوع باعث شد تا اختلاف های من و همسرم بیشتر شود.
وی درباره روز قتل گفت: وقتی سعید خواب بود با همدستی دختر و پسرم با شلیک گلوله او را کشتم. دختر و پسر سعید خود را بی گناه دانستند و ادعا کردند مادرشان برای رهایی از قصاص پای آن‌ها را وسط این قتل کشانده است.
بنا به این گزارش ؛قضات دیروز الهام را به قصاص محکوم کردند و با تبرئه پسر خانواده، دختر نوجوان نیز به پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم شد.

از دواج با مردان سن بالا



دکتر رضا احمدی، روان شناس و استاد دانشگاه : با توجه به شرایط جامعه و وضعیت ازدواج و طلاق در فرهنگ جامعه کنونی ما به حدی شرایط بحرانی شده است که اصول و مبانی آمادگی برای ازدواج از جمله شرایط و ملاک های ورود به زندگی زناشویی در بخشی از جامعه تغییر یافته و افراد بدون شناخت و آگاهی تشکیل خانواده می دهند. در این بین دیده می شود دختران جوان از خانواده های سطح پایین و فقیر با مردانی از دواج می کنند که فاصله سنی شان زیاد است یا همسر دوم یا سوم این مردان می شوند سپس در طول زندگی به دلیل خلاهای عاطفی و روانی به خیانت دست می زنند. افرادی که در سن کم از دواج می کنند این وصلت را پایگاهی برای شکست های قبلی یا فرار از مشکلات و مسائل زندگی خود انتخاب می کنند و تصورشان بر این است که این راهکار نجات دهنده است در حالی که از استرس های مثبت و منفی این قبیل از دواج ها غافل هستند. از دواج با مردان سن بالا برای فرار از فقر راهکار مناسبی برای رفع مشکلات و مسائل مالی نیست بلکه این افراد در شرایط روانی حادتری قرار می گیرند و در بن بستی اسیر می شوند که آمال و آرزوهای شان به یک باره تخریب می شود به جای پذیرفتن ضعف ها و بررسی مشکلات منجر به شکست سعی دارند برای به دست آوردن پایگاه اجتماعی خود دست به هر کاری بزنند که مشکلات حاد اجتماعی را رقم می زنند. این افراد به دلیل داشتن تنش و فشارهای روانی آستانه تحمل شان کم بوده و چون راهکار خاصی را نمی شناسند هیجان مدارانه رفتار می کنند و چون نمی توانند بر هیجان شان غلبه کنند دچار سرخوردگی و مرتکب اعمالی چون خیانت و در نهایت قتل ناموسی می شوند.

گروگان گیری احمقانه با ون تاکسی در تهران

مردان تهرانی وقتی یک ون تاکسی را اجاره کردند نمی دانستند احمقانه ترین آدم ربایی را رقم خواهند زد. راننده ون وقتی پی به آدم ربایی برد همه را از خودرویش پیاده کرد و در تماس با پلیس آدم ربایان را لو داد. پلیس در تجسس های ابتدایی پی برد گروگان از داخل تاکسی اینترنتی به داخل ون تاکسی و سپس داخل پژویی انتقال یافته و به سمت کرج برده شده است. خیلی زود آدم ربایان در باغی محاصره شدند و مرد تهرانی آزاد شد. این مرد دیروز پس از آزادی در شعبه ۱۱ دادسرای جنایی تهران به بازپرس واحدی گفت: ۱۱ صبح بود درخواست تاکسی اینترنتی کردم. پس از آن که جلوی در خانه سوار خودرو شدم سر کوچه یک خودروی ون مانع از ادامه مسیر راننده شد. پس از آن دو مرد از ون پیاده شدند و مرا از خودرو بیرون کشیدند. وقتی راننده دلیل رفتار این دو مرد را پرسید، آن‌ها گفتند مسافر شما به ما بدهکار است و باید با ما بیاید تا تکلیف‌مان را با او روشن کنیم. هر چه من موضوع بدهکاری را انکار کردم، فایده نداشت. آن دو مرد به هر ترتیبی که بود مرا سوار ون کردند و راننده شروع به حرکت کرد. من همچنان مقاومت می کردم و بالاخره راننده ون به دو مردی که مرا ربوده بودند گفت، آن‌ها از او خواسته‌اند از تهران به مقصد کرج ببردشان ولی این کار آن‌ها جرم است و در واقع آدم ربایی محسوب می‌شود و انجام چنین کاری را قبول نمی کند. دست آخر راننده ون از دو مرد خواست هر چه زودتر از خودرو اش پیاده شوند. بنابراین دو مرد با فردی تماس گرفتند و ماجرا را به او اطلاع دادند بعد هم یک نفر که من او را می‌شناختم با یک خودروی پرشیا سراغ ما آمد و ما را به باغی در کرج برد. پس از مدتی هم ماموران پلیس آمدند و مرا نجات دادند و آن سه نفر را که مرا ربوده بودند دستگیر کردند.

دادستان ادعای دختر در قاتل بودن پدرش را بررسی می کند

توقف مراسم سوگند در مرگ زن تهرانی

مراسم سوگند برای اثبات گناهکار بودن مردی در قتل همسرش برگزار نشد و قضات جنایی به پلیس ماموریت ویژه‌ای دادند.
اولین روز عید سال ۹۶ با سقوط زنی از بالکن خانه‌اش در خیابان شمشیری رسیدگی به این حادثه در دستور کار ماموران کلانتری ۱۱۹ مهرآباد قرار گرفت.
اعظم ۴۶ ساله که به بیمارستان منتقل شده بود دو روز بعد جان سپرد و دختر ۲۲ ساله خانواده پدرش را عامل جنایت معرفی کرد. بدین ترتیب؛ حسین ۵۰ ساله بازداشت شد اما ادعا کرد همسرش از افسردگی رنج می برد و به همین دلیل خودکشی کرده است. حسین در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و گفت: با همسرم اختلاف داشتم اما من او را نکشتم. زنم عصبی و پرخاشگر بود و از بیماری افسردگی رنج می برد. من او را دوست داشتم و او خودکشی کرد.

کشید و او را دور خانه می چرخاند. مادرم از دست پدرم فرار کرد و به اتاق خواب رفت و در را قفل کرد اما پدرم در را شکست. مادرم از ترسش به بالکن فرار کرده بود و من از پشت سر دیدم پدرم او را به پایین پرتاب کرد و خودش خونسرد روی مبل نشست. من برای پدرم حکم قصاص می خواهم.
سپس پدر خانواده در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من همسرم را نکشتم. دخترم تحت تاثیر حرف های خانواده مادری اش قرار گرفته و برایم قصاص خواسته است. در پایان جلسه قضات برای اثبات گناهکار بودن مرد بنا حکم به برگزاری مراسم قسامه دادند.
قرار بود دیروز ۵۰ نفر از بستگان نسبی مادر خانواده در دادگاه حاضر شوند و قسم بخورند مرد بنا عامل این جنایت است. اما قبل از برگزاری مراسم قسامه نماینده دادستان گفت: دادستان پس از بررسی و تحقیق درباره این پرونده اعلام کرده احتمال دارد اظهارات دختر دانشجو صحیح باشد و مرد بنا همسرش را کشته باشد. از این رو لازم است تا بار دیگر تحقیقات درباره این پرونده از سر گرفته شود. بنابه این گزارش؛ مراسم قسامه برگزار نشد و پرونده برای از سر گیری تحقیقات به دادسرا برگردانده شد.



■ **مراسم قسامه**
با تکمیل تحقیقات بازپرس ،پرونده را لوث تشخیص داد و پیشنهاد برگزاری مراسم قسامه را مطرح کرد.
در دومین جلسه دادگاه دختر قربانی گفت: صبح با صدای دعوای پدر و مادرم بیدار شدم. پدرم لباس مادرم را می

آگهی تغییرات شرکت راهبرد توسعه گستر منطقه شرق شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۳۲۴۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۹۰۶۵۵
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
۱ - محل شرکت در واحد ثبتی مشهد به آدرس مشهد - بخش مرکزی - شهر مشهد-جنت-خیابان دانشگاه ۱۸ (شهیدچمران ۱۱)-بن بست اول-پلاک ۴۷.۰۰۱-طبقه اول-واحد جنوبی کدپستی : ۹۱۳۷۶۶۱۱۱۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید. ۲-تعداد اعضای هیئت مدیره از پنج نفر به چهار نفر کاهش یافت وماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۹۰۱۹۷)
م/۹۸۰۴۱۲۷۶

آگهی تغییرات شرکت راهبرد توسعه گستر منطقه شرق شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۲۴۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۹۰۶۵۵- به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
۱ - ترکیب جدید اعضای خود را برای مدت دوسال به شرح ذیل تعیین شدند: آقای حسن تبرئی به کدملی ۰۹۳۷۵۷۸۶۳۰ به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل آقای عبدالمجید رفائی افشار قزلباش به کدملی ۰۹۳۷۵۹۵۲۹۲ به سمت نائب رئیس غلامرضا زارعی به کدملی ۰۸۷۲۵۹۳۷۹۷ به سمت عضو هیئت مدیره آقای سید علی میرنجاتی به کدملی ۰۹۳۲۸۶۹۷۸۵ به سمت عضو هیئت مدیره هیئت مدیره مقرر نمود و کلیه اوراق و اسناد رسمی و تعهدآور و بانکی با امضای آقایان حسین تبرئی ، عبدالمجید رفائی افشار قزلباش و در غیاب ایشان با امضای آقای سید علی میرنجاتی همراه با مهر شرکت دارای اعتبار خواهد بود
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۹۰۲۰۲)
م/۹۸۰۴۱۲۸۷

آگهی تغییرات شرکت پیشگام لوله پلیمر گلبایگان شرق شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۷۴۳۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۳۵۵۹۰
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - خانم معصومه مطبعه چی اتحاد به شماره ملی ۰۴۵۲۲۶۸۶۳۱ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای مرتضی مطبعه چی اتحاد به شماره ملی ۰۹۴۵۹۵۳۵۰۱ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای رحیم مطبعه چی اتحاد به شماره ملی ۰۹۳۸۵۳۹۵۱۵ به سمت مدیرعامل و عضو هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند و کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور رسمی و بانکی با امضاء آقای رحیم مطبعه چی اتحاد همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۹۰۲۰۵)
م/۹۸۰۴۱۲۸۱



م/۹۸۰۴۱۰۵۰